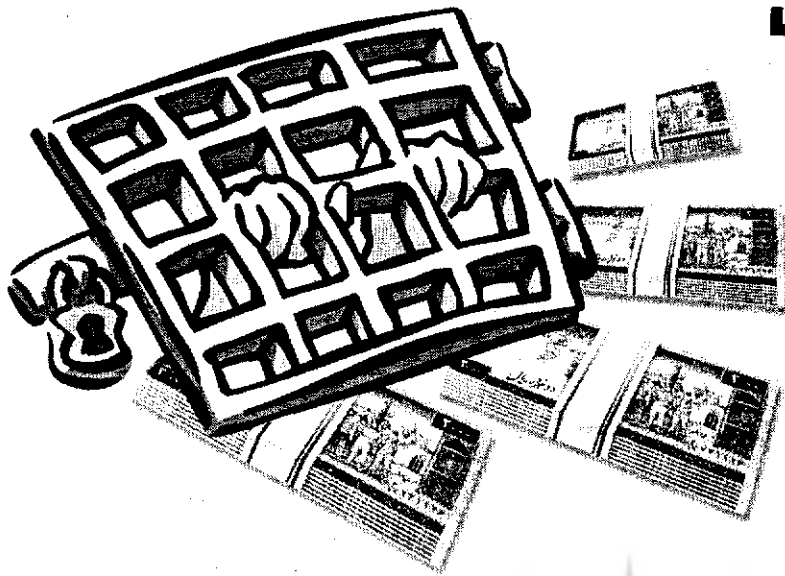


# تبدیل اجباری حبسهای کوتاه مدت به جزای نقدی

(عسگر قهرمانی)



## مقدمه:

لزوم جایگزینی جزای نقدی به جای مجازاتهای حبس کوتاه مدت، در بندهای "۱" الی "۳۰" ماده (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین که در تاریخ (۱۳۷۳/۱۲/۲۸) به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و در روزنامه رسمی شماره ۱۴۵۹۷ مورخ (۱۳۷۴/۱/۲۹) منتشر گردیده، مطرح شده است.

هدف از تصویب این قانون که در (۹۳) ماده تنظیم شده، تعیین نرخ جدید خدماتی که از سوی وزارتخانه‌ها و سازمانها و مؤسسات دولتی به مردم ارائه می‌شود و محلهایی که این درآمدها در آنجا باید هزینه گردد، می‌باشد.

براساس ماده (۳) قانون فوق‌الذکر: «قوه قضائیه موظف است کلیه درآمدهای خدمات قضائی از جمله خدمات مشروحه زیر را دریافت و به حساب درآمد عمومی کشور واریز نماید».

سیس قانونگذار در ۲۳ بند به تعیین نرخهای جدید خدماتی که از سوی دستگاه قضائی ارائه می‌گردد مانند، هزینه‌های لازم جهت تقدیم دادخواست و تجدید نظر خواهی و اعتراض ثالث و غیره پرداخته است.

از میان ۲۳ بند ماده (۳) قانون وصول

برخی از درآمدهای دولت، سه بند اول آن که مورد بحث ما در نوشتار حاضر است، سنخیتی با دیگر بندها ندارد و علت این امر آن است که در بندهای مذکور، مقنن سیاست جزایی جدیدی دایر بر تبدیل مجازاتهای زندان کوتاه مدت به جزای نقدی اتخاذ نموده و تعیین کیفرهای حبس کمتر از ۹۱ روز را جایز ندانسته است؛ در حالی که ۲۰ بند دیگر ماده (۳) مربوط به اعلام نرخهای جدید خدماتی است که از سوی قوه قضائیه ارائه می‌گردد. با توجه به اصول و روشهای تدوین و وضع قانون، گنجاندن ۳ بند فوق‌الذکر در متن قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین، چندان منطقی و معقول به نظر نمی‌رسد، زیرا قانون فوق‌الذکر با عنایت به عنوان آن، قانونی مربوط به مسائل مالی و امور بودجه‌ای دولت است؛ در حالی که ۳ شق اول ماده (۳) این قانون، در رابطه با اعلام اتخاذ یک سیاست کیفری از سوی قانونگذار در جایگزین نمودن مجازات جریمه نقدی به جای حبسهای کوتاه مدت می‌باشد. پس صحیح‌تر آن بود که ۳ بند فوق در متن قوانین جزایی آورده می‌شدند نه در متن یک قانون مالی. متن بندهای "۱" تا "۳۰" ماده (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن

در موارد معین که از تاریخ ۱۳۷۴/۲/۱۴ لازم‌الاجرا گردیده، به شرح ذیل است:

بند ۱ - در هر مورد که در قوانین، حداکثر مجازات کمتر از ۹۱ روز حبس و یا مجازات تعزیری موضوع تخلفات رانندگی می‌باشد، از این پس به جای حبس یا مجازات تعزیری، حکم به جزای نقدی از هفتاد هزار و یک ریال تا یک میلیون ریال صادر می‌شود.

بند ۲ - هرگاه حداکثر مجازات بیش از ۹۱ روز حبس و حداقل آن کمتر از این باشد، دادگاه مخیر است که حکم به بیش از ۳ ماه حبس یا جزای نقدی از هفتاد هزار و یک ریال تا سه میلیون ریال بدهد.

بند ۳ - در صورتی که مجازات حبس یا جزای نقدی توأم باشد و به جای حبس و مجازات تعزیری، جزای نقدی مورد حکم واقع شود هر دو مجازات نقدی جمع خواهد شد.

اگر چه با توجه به عنوان و روح قانون وصول برخی درآمدهای دولت، هدف اصلی قانونگذار از تبدیل مجازاتهای حبس کمتر از ۹۱ روز به جزای نقدی، تأمین طریقی جهت کسب درآمد برای دولت و کاهش هزینه‌های زیاد ناشی از نگهداری محکومین در زندانها بوده، و احتمالاً بحثهای جرم‌شناسانه پیرامون موضوع زندانهای کوتاه مدت و معایب و منافع

آن را مدنظر نداشته است؛ در این صورت باید گفت مجازاتهای حبس کوتاه مدت همواره مورد انتقاد برخی مکاتب جدید حقوق جزا بویژه مکتب دفاع اجتماعی بوده است. این مکتب از همان ابتدای تأسیس، مخالفت شدید خود را با مسأله زندانهای کوتاه مدت اعلام نموده است، و معایب مجازاتهای حبس کوتاه مدت از هنگام تشکیل اتحادیه بین‌المللی حقوق کیفری در سال (۱۸۸۹) تا آخرین کنگره «کمسیون بین‌المللی جزایی و زندانها» در سال (۱۹۵۰)، همواره توسط مکتب دفاع اجتماعی گوشزد شده، و حتی ممنوعیت مطلق توسل به آن نیز پیشنهاد گردیده است. همین انتقادات سبب شده که برخی نظامهای قانونگذاری، با تفاوتهایی، چه در مورد جوانان بزهکار و چه به گونه‌ای کلی‌تر در مورد همه بزهکاران، از مجازاتهای

حبس کمتر از ۳ ماه و غالباً کمتر از ۶ ماه صرف‌نظر نموده و آن را تبدیل به جزای نقدی نمایند. (۱)

علت اصلی مخالفت جرم‌شناسان با مجازاتهای حبس کوتاه مدت را می‌توان در این امر دانست که زندان زمانی

می‌تواند نقش بازدارندگی و بازپروری خود را ایفا نماید که مدت زمان لازم جهت اجرای برنامه‌های آموزشی و تربیتی و دیگر اقدامات لازم به منظور آماده‌سازی مجرم برای وارد شدن مجدد به جامعه، به‌عنوان یک فرد سازگار با اجتماع و فردی که از عملکرد گذشته خود نادم و متنبه است، در اختیار کارشناسان و مددکاران زندان باشد در حالی که در مجازاتهای زندانهای کوتاه مدت، فرصت زمانی لازم برای اجرای تدابیر فوق وجود ندارد.

کیفرهای کوتاه مدت، اختلال عمیقی در زندگی محکوم به وجود می‌آورد. محکوم علیه معمولاً کار خود را از دست می‌دهد، خانواده‌اش دچار بلاتکلیفی و سرگردانی می‌شود و بالاخره در مشکلات عدیده‌ای نیز

غوطه‌ور می‌گردد. به‌هنگام خروج از زندان در مقابل مسائل و تلخ‌کامیهای متعددی قرار می‌گیرد، از درهم و برهمی و ازدحام جمعیت زندان و خلُق و خویهای متنوع حاکم در داخل زندان متأثر می‌گردد، با احساس دشمنی عمومی مواجه می‌شود و بنابراین در وی احساس خصومت، بیشتر تقویت می‌شود تا ندامت و توبه، به طوری که بیم این می‌رود که اثر ارباب‌انگیز مجازات در او به میزان زیادی از میان برود. (۲)

در نتیجه معایب فوق است که اکثر کیفرشناسان، زندانهای کوتاه مدت را به قدری زیان‌آور می‌دانند که آن را «داروی بدتر از درد» نام نهاده و در این باره گفته‌اند: «زندانهای کوتاه مدت، محکوم علیه را در معرض فساد

### کیفرهای کوتاه مدت، اختلال

عمیقی در زندگی محکوم به وجود می‌آورد.

محکوم علیه معمولاً کار خود را از دست می‌دهد،

خانواده‌اش دچار بلاتکلیفی و سرگردانی می‌شود و

بالاخره در مشکلات عدیده‌ای نیز غوطه‌ور

می‌گردد

روانی سودمند، به وجود آمده است. این همان چیزی است که انگلیسیها آن را شوک یا ضربه سریع و کوتاه (SHARP SHORT SHOCK) نامیده‌اند. طرفداران این روش معتقدند که زندانهای کوتاه مدت، از لحاظ اقدام فوری جامعه و نیز ارزش پیشگیری آن بویژه در مورد نوجوانان منحرف و مرتکبین جرایم رانندگی در جاده‌ها و حتی درخصوص برخی از بزهکاران اقتصادی بسیار سودمندند. (۴) این دیدگاه البته شایسته تأمل و بررسی است.

### طرح بحث:

حال در اینجا به تفکیک به بررسی بندهای ۱۱ تا ۳۳ ماده (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین می‌پردازیم:

بند ۱ - به موجب این بند، زمانی که حداکثر مجازات جرمی کمتر از ۹۱ روز حبس بوده و یا مجازات تعزیری موضوع جرایم ناشی از تخلفات رانندگی مطرح باشد، به جای مجازاتهای مزبور، حکم به پرداخت جزای نقدی از هفتاد هزار و یک ریال تا حداکثر یک میلیون ریال داده می‌شود.

در رابطه با قسمت اول این بند باید گفت: در مجموعه قوانین و مقررات کیفری ایران، مواردی که حداکثر مجازات تعیین شده برای یک جرم کمتر از ۹۱ روز حبس باشد نادر است. با بررسی به عمل آمده در قانون مجازات اسلامی مشخص گردید که تنها مواد (۵۱۷، ۶۰۵، ۶۳۸، ۷۰۶، ۷۱۲)، مجازات حبس کمتر از ۹۱ روز را پیش‌بینی نموده‌اند (البته در مواد ۷۲۳ و ۷۲۴ قانون مجازات اسلامی نیز کیفر کمتر از ۹۱ روز حبس مطرح شده و لیکن نظر به اینکه این مواد اختصاص به تخلفات راهنمایی و رانندگی موضوع قسمت دوم بند یک دارند، از ذکر شماره این مواد در این جا خودداری شد). پس باتوجه به مراتب فوق، اگر فردی مرتکب یکی از جرایم موضوع

زندان و ولگردی قرار می‌دهد و به علت کوتاهی مدت آن به جای اصلاح بزهکار، او را تباه و گمراه می‌گرداند. زخم روحی عمیقی که زندان کوتاه مدت بر افراد به جای می‌گذارد، خصوصاً کسانی که بر اثر یک خطای کوچک برای نخستین بار به زندان محکوم شده‌اند به آسانی درمان‌پذیر نیست، همچنین این نوع زندان هیچ تأثیری بر احوال بزهکاران سرکش و ستیزه‌خو در جهت اصلاح و تربیت آنان ندارد. (۳)

با این همه، گرایش جدیدی در استفاده از مجازاتهای کوتاه مدت زندان، البته نه به عنوان تنبیه یا معالجه محکوم، بلکه با هدف مداخله آنی جامعه در جهت ایجاد یک ضربه

مواد فوق‌الذکر مانند توهین علنی به رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی یا تظاهر به فعل حرام در انظار و اماکن عمومی شود، قاضی محکمه حق تعیین مجازات حبس را ندارد و فقط به پرداخت جریمه نقدی از هفتاد هزار و یک ریال تا حداکثر یک میلیون ریال حکم می‌دهد.

در ماده (۷۲۶) قانون مجازات اسلامی چنین آمده است: «هر کس در جرایم تعزیری معاونت نماید حسب مورد به حداقل مجازات مقرر در قانون برای همان جرم محکوم می‌شود (این ماده در سال ۷۵ در قانون مجازات اسلامی آمده که با توجه به مؤخرالتصویب بودن آن نسبت به ماده (۴۳) این قانون، حکم صدر ماده اخیرالذکر در خصوص معیار تعیین مجازات برای معاون در جرم را به صورت ضمنی نسخ نموده است).

مطابق ماده (۷۲۶)، مجازات معاون در جرم تعزیری، حداقل کیفر تعیین شده برای آن جرم است. با عنایت به قسمت اول بند ۱۰ که به طور مطلق مقرر می‌دارد: «در هر مورد که در قوانین

حداکثر مجازات کمتر از ۹۱ روز حبس می‌باشد»، و با دقت نظر در ماده (۷۲۶) قانون مجازات اسلامی که حداکثر مجازات قابل تعیین برای معاون در جرم تعزیری را حداقل مجازات پیش‌بینی شده برای آن جرم تعزیری می‌داند، بدین ترتیب اگر حداقل مجازات معین شده جرمی کمتر از ۹۱ روز حبس باشد و فردی مرتکب معاونت در چنین بزه‌ی شود، دادگاه در مقام صدور حکم با استناد به ماده قانونی مربوط به آن جرم و ماده (۷۲۶) قانون مجازات اسلامی و قسمت اول بند ۱۰ ماده (۳) قانون نحوه وصول برخی درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین، فرد مزبور را صرفاً محکوم به پرداخت جزای نقدی مشخص شده در بند ۱۰ می‌نماید. به عنوان مثال، اگر کسی معاونت در جعل

مهر یا منگنه یا علامت یکی از شرکت‌های غیردولتی یا یکی از تجارتخانه‌ها را نماید، از آنجایی که حداقل مجازات تعیین شده برای این جرم طبق ماده (۵۲۹) قانون مجازات اسلامی، سه ماه زندان می‌باشد، مجازاتی که محکمه می‌تواند برای متهم در نظر بگیرد تنها جزای نقدی تا حداکثر یک میلیون ریال است.

به موجب قسمت دوم شق اول ماده (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت، مجازات‌های تعزیری موضوع تخلفات رانندگی مورد حکم قرار نمی‌گیرند و به جای آن، حکم محکومیت به پرداخت جزای نقدی صادر می‌شود.

در اینجا شبهه‌ای مطرح می‌گردد و آن این

### بیشتر جرایمی که در مورد آنها

مجازات میس که حداقل آن کمتر از ۹۱ روز و

حداکثر آن بیش از این مدت باشد پیش‌بینی شده، از

جرایم مهمی هستند که ارتکاب آنها موجب ایراد

لطامات عمده و گاهی جبران‌ناپذیر به نظم

عمومی جامعه می‌شود

که آیا مقنن صرف تخلفات رانندگی مانند رانندگی بدون داشتن گواهینامه یا رانندگی با وسیله نقلیه‌ای که دستگاه ثبت سرعت آن دستکاری شده را مدنظر داشته است یا جرایم ناشی از تخلفات رانندگی مانند قتل یا صدمه بدنی یا جراحاتی که در اثر خطای در رانندگی رخ می‌دهند؛ و در مواد (۷۱۴) تا (۷۱۷) علاوه بر پرداخت دیه، مجازات تعزیری برای آنها پیش‌بینی شده را نیز در بند ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت، مورد حکم قرار داده است؟

اگر بخواهیم مطابق با نص بند ۱۰ پاسخ دهیم، از آنجایی که در این بند، قید «مجازات‌های تعزیری موضوع تخلفات

رانندگی» آمده است، جرایم ناشی از این تخلفات مشمول بند فوق قرار نمی‌گیرند؛ اما با توجه به هدف قانون که ارفاق قائل شدن نسبت به متخلفان در امر رانندگی و حفظ وضعیت و موقعیت اجتماعی و پیشگیری از تأثیر سوء و مخرب زندان بر روی آنها و همچنین کاستن از جمعیت کیفری زندانها بوده، و یا در نظر گرفتن حکم تبصره ماده (۷۱۸) قانون مجازات اسلامی که در آن چنین آمده: «اعمال مجازات موضوع مواد ۷۱۴ و ۷۱۸ این قانون از شمول بند یک ماده (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین (مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸) مجلس شورای اسلامی مستثنی می‌باشد»، باید عنوان نمود که قسمت دوم بند ۱۰، شامل تخلفات رانندگی و جرایم ناشی از تخلفات، هر دو می‌باشد.

در رابطه با جایگزینی مجازات‌های تعزیری موضوع تخلفات رانندگی با جزای نقدی موضوع بند اول، دو نکته قابل بحث لازم است: نکته اول؛ در بند ۱۰، عبارت «مجازات تعزیری موضوع تخلفات رانندگی» مجازات تعزیری اعم از حبس و شلاق و جزای نقدی و کیفرهای دیگری است که با عنایت به ماده (۱۶) قانون مجازات اسلامی، قانونگذار برای جرایم تعزیری در نظر می‌گیرد. پس در صورت پیش‌بینی مجازات تعزیری دیگری به جای حبس یا در کنار آن برای تخلفات رانندگی، فقط مجازات‌های جزای نقدی تعیین شده در قسمت اخیر بند ۱۰ مورد حکم قرار می‌گیرد.

از این رو، حتی در مورد ماده (۷۲۳) قانون مجازات اسلامی که مجازات تعزیری اقدام به رانندگی بدون داشتن گواهینامه رسمی، برای بار اول «حبس تعزیری تا دو ماه یا جزای نقدی تا یک میلیون ریال و یا هر دو مجازات» تعیین شده، دادگاه تنها جزای نقدی از هفتاد هزار و یک ریال تا یک میلیون ریال را باید مورد حکم قرار دهد و نمی‌توان به استناد بند ۳ ماده

(۳) قانون وصول برخی درآمدهای دولت (که متعاقباً مورد بررسی قرار می‌گیرد)، و یا استفاده از اختیار حاصله از ماده (۷۲۳) مبنی بر حکم دادن به هر دو مجازات، به جای حبس تعزیری تا دو ماه جریمه نقدی موضوع بند "۱" را تعیین و سپس جزای نقدی تا یک میلیون ریال موضوع ماده فوق‌الذکر را مشخص کرده و بعد هر دو را با هم جمع نمود؛ زیرا در متن بند "۱" « مجازات تعزیری موضوع تخلفات رانندگی » آمده و همان گونه که قبلاً بیان شد،

اصطلاح مجازات تعزیری، تمام کیفرهای تعزیری را در بر می‌گیرد. پس باتوجه به اطلاق عبارت، در مورد ماده (۷۲۳) و همچنین ماده (۷۲۴) قانون مجازات اسلامی و موارد مشابه دیگر امکان تعیین دو مجازات تعزیری وجود ندارد و صرفاً باید جزای نقدی تعیین شده در قسمت اخیر شق "۱" ماده (۳) قانون مارالذکر مورد حکم قرار گیرد.

نکته دوم؛ مسأله‌ای که باید بدان دقت شود اینست که قانونگذار در بند "۱"، مجازات تعزیری موضوع تخلفات رانندگی را به نحو اطلاق برگزار نموده و برای تمام

کیفرهای تعزیری موضوع این نوع تخلفات و جرایم ناشی از آنها، جزای نقدی از هفتاد هزار و یک ریال تا یک میلیون ریال را جایگزین نموده است، اعم از اینکه حداکثر مجازات حبس قرار داده شده در قانون برای یک تخلف رانندگی یا جرم ناشی از آن، کمتر از ۹۱ روز باشد یا بیش از آن؛ در حالی که مقنن در بند دوم، در مورد مجازاتهای زندانی که حداکثر آن بیش از ۹۱ روز و حداقل آن کمتر از این مدت می‌باشد، به دادگاه اختیار صدور حکم به بیش از ۳ ماه حبس یا جزای نقدی از هفتاد هزار و یک ریال تا سه میلیون ریال را داده است.

بنابراین با توجه به مطلب فوق، در مورد مواد (۷۱۵ و ۷۱۶، ۷۱۷) و قسمت اخیر مواد (۷۲۳ و ۷۲۴) قانون مجازات اسلامی، به‌رغم اینکه حداکثر کیفرهای حبس تعیین شده در این مواد بیش از ۹۱ روز می‌باشد، اما به لحاظ اطلاق و اصطلاح مجازات تعزیری موضوع بند "۱" و ضرورت رعایت قاعده تفسیر مضیق قوانین کیفری و نیز قاعده تفسیر به نفع متهم؛ باید گفت تنها مجازاتی که می‌توان تعیین نمود، جزای نقدی حداکثر

تعزیرات (۶) نظر به اینکه، حداقل مجازات در این مواد کمتر از ۹۱ روز و حداکثر آنها از ۹۱ روز بیشتر است دادگاه به دستور بند یک تبصره فوق‌الاشعار، مخیر است که حکم به بیش از ۳ ماه حبس یا جزای نقدی از هفتاد و یک هزار ریال تا سه میلیون ریال صادر نماید» (۷)

بند ۲- مطابق این بند، در صورتی که کیفر حبس مشخص شده برای جرمی، دارای حداقل و حداکثر بوده به گونه‌ای که حداقل آن کمتر از ۹۱ روز و حداکثر آن بیش از این مدت باشد، قاضی رسیدگی کننده در مقام صدور حکم مجازات، اختیار دارد بیش از ۳ ماه حبس برای متهم در نظر بگیرد یا اگر با توجه به اوضاع و احوال و شرایط ارتکاب جرم و وضعیت اجتماعی و اخلاقی و سابقه متهم، مصلحت نمی‌داند چنین مجازاتی تعیین نماید، حکم به محکومیت وی به پرداخت جریمه نقدی از هفتاد هزار و یک ریال تا سه میلیون ریال صادر کند. بر خلاف بند "۱"، تعداد مواد قانونی که در آنها حداقل مجازات حبس کمتر از ۹۱ روز و حداکثر آن بیش از این مدت باشد، بسیار است. در قانون مجازات اسلامی،

به عنوان نمونه، تبصره "۱" و "۲" ماده (۲۶۹) و مواد (۴۹۹، ۵۲۹، ۵۴۳، ۶۰۹، ۶۳۲، ۶۴۵، ۶۶۰، ۶۹۰، ۷۱۳) این قانون، دارای چنین حالتی می‌باشند. حداکثر مدت حبسی که در این مواد پیش‌بینی شده، پنج سال است که این موضوع و همچنین تعداد زیاد موادی که در آنها حداقل کیفر زندان کمتر از ۹۱ روز می‌باشد، حاکی از اختیارات گسترده‌ای است که به دادگاهها در مقام تعیین کیفر داده شده است.

اشکال عمده‌ای در بندهای "۱" و "۲" ماده (۳) قانون وصول برخی درآمدهای دولت وجود دارد و آن این است که متأسفانه مقنن

تا یک میلیون ریال مندرج در قسمت اخیر بند "۱" ماده (۳) می‌باشد.

اداره حقوقی قوه قضائیه در مورخه ۱۳۷۱/۱۱/۷ طی شماره ۷/۱۱۷۷۴، نظریه‌ای مشورتی صادر نموده است که برخلاف استدلال فوق بوده و از آنجایی که بر خلاف نص قانون می‌باشد، نادرست به نظر می‌رسد. متن نظریه بدین شرح است:

«با توجه به مقررات بند "۱" تبصره ۱۷ قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب بهمن ۱۳۶۸ (۵) و عنایت به مجازاتهای مندرج در مواد ۱۴۹، ۱۵۰ و ۱۵۱ قانون





بیشتر توجه خود را به منافع مادی حاصله از تعیین جریمه مالی به جای حبسهای کمتر از ۹۱ روز معطوف کرده (این منافع مادی اعم است از وجوه نقدی که به عنوان جزای نقدی در قبال تبدیل کیفرهای حبس مزبور اخذ می شود و صرفه جوییهای ناشی از کاستن از جمعیت زندانیان و بالتبع آن زندانبانها و غیره)، و اصلاً به تعیین ملاک و ضابطه برای جایگزینی مجازاتهای حبس مزبور با جزای نقدی التفاتی ننموده است.

اشکال فوق در مورد بند "۱"، به دلیل قلت موارد مشمول حکم آن، ضرورت حذف و جایگزینی مجازاتهای حبس کوتاه مدت و مجازاتهای تعزیری موضوع تخلفات رانندگی (که در ابتدای نوشتار حاضر توضیحاتی پیرامون اهمیت آن موضوع داده شد، و همچنین کم اهمیت بودن جرایم مربوط قابل اغماض است. منتها در مورد بند دوم، اشکال مورد اشاره کاملاً مبرهن بوده و لزوم رفع آن به طور جدی احساس می شود.

توضیح اینکه، بیشتر جرایمی که در مورد آنها مجازات حبسی که حداقل آن کمتر از ۹۱ روز و حداکثر آن بیش از این مدت باشد پیش بینی شده، از جرایم مهمی هستند که ارتکاب آنها موجب ایراد لطمات عمده و گاهی جبران ناپذیر به نظم عمومی جامعه می شود؛ مانند جرایم موضوع مواد (۴۹۹ و ۵۰۰) قانون مجازات اسلامی. حال چگونگی است که قانونگذار به طور مطلق و بدون هیچ معیاری به قاضی اختیار داده که به طور مثال، در مورد جرم عضویت در گروههایی که قصد برهم زدن امنیت کشور را دارند (ماده ۴۹۹)، یا مجازات بیش از سه ماه تا حداکثر پنج سال حبس را تعیین کند یا اینکه متهم را محکوم به پرداخت هفتاد هزار و یک ریال تا سه میلیون ریال نماید. چه توجیه منطقی برای دادن چنین اختیار وسیعی وجود دارد؟ بی تردید لزوم تبدیل مجازاتهای حبس کوتاه مدت موضوع بند "۲" به جزای نقدی، تخفیفی در حق متهم می باشد ولی چنان که می دانیم، در تبصره "۱" ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی در

بحث تخفیف مجازات، مقنن دادگاه را مکلف نموده که جهات و علل تخفیف یا تبدیل مجازات متهم را در حکم تصریح نماید، و حال آن که در بند "۲" ماده (۳) قانون وصول برخی درآمدهای دولت، چنین تکلیفی وجود ندارد؛ و به نظر می رسد دادن این اختیار بی حد و مرز، با اصول و قواعد حقوق کیفری منافات دارد. در ارتباط با بندهای "۱" و "۲"، لازم است چند نکته مشترک مورد اشاره قرار گیرند:

الف- با تصویب این بندها، دیگر دادگاهها نمی توانند با استفاده از اختیار قانونی تخفیف مجازات، در مورد جرایمی که حداکثر مجازات قانونی آنها کمتر از ۹۱ روز حبس است و همچنین در خصوص جرایمی که حداکثر مجازات قانونی آنها بیش از مدت مزبور ولی حداقل آن کمتر از این مدت است، کیفر زندان کمتر از ۹۱ روز برای مرتکبین جرایم فوق در نظر بگیرند؛ زیرا نسبت بین ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی و بندهای "۱" و "۲" ماده (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت، عام و خاص است (۹) و این بندها اختیار تخفیف مجازات موضوع ماده (۲۲) را در زمینه مجازاتهای مذکور در بندهای فوق، تخصیص زده اند. به دیگر معنا، اختیار تخفیف مجازاتهای تعزیری موضوع این بندها به مجازات حبس کمتر از ۹۱ روز را از دادگاهها سلب نموده اند. با این همه، امکان استفاده از ماده (۲۲) تخفیف مجازاتهای حبسی که حداقل آنها بیش از ۹۱ روز است به کیفر حبس کمتر از ۹۱ روز، همچنان وجود دارد، که این مسأله با هدف اصلی قانونگذار از تصویب بندهای مورد بحث که همانا از بین بردن مجازاتهای حبس کوتاه مدت بوده، مغایرت دارد.

ب- برای نخستین بار در ماده (۲۵) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، اختیار تعلیق قسمتی از مجازاتهای تعزیری یا بازدارنده به محاکم داده شده است. حال اگر قاضی محکمه در مقام صدور حکم، اقدام به صدور قرار تعلیق قسمتی از مجازات حبس تعیین شده برای متهم نماید که مدت آن کمتر

از ۹۱ روز باشد، آیا چنین قراری با بندهای "یک و دو" تعارض دارد یا خیر؟ به عنوان مثال، برای کسی که برخلاف مقررات و بدون مجوز قانونی اقدام به شکار حیوانات حفاظت شده نموده، به استناد ماده (۶۸۰) قانون مجازات اسلامی، وی را به تحمل یک سال حبس تعزیری محکوم کند و در ضمن حکم، مستنداً به ماده (۲۵) همین قانون، ۱۰ ماه از حبس وی را معلق نماید.

به طور کلی باید گفت، از آنجایی که در چنین مواردی مجازات اصلی مورد حکم دادگاه به بیش از ۹۱ روز حبس می باشد که دادگاه با استفاده از اختیار قانونی خود، قسمتی از آن را معلق نموده است، هیچ تعارضی با بندهای مورد بحث پیدا نمی شود و این بندها تنها حالتی را که کیفر اصلی تعیین شده در حکم دادگاه کمتر از ۹۱ روز باشد، منع می کنند.

ج- ممکن است این سؤال در ذهن تداعی نماید که آیا مواردی که قانونگذار در مقام تعیین جزا برای یک جرم، کیفرهای متعددی را مشخص و به قاضی حق انتخاب یکی از آنها را داده است، در صورتی که یکی از مجازاتها حبس کمتر از ۹۱ روز یا حبسی که حداقل آن کمتر از ۹۱ روز و حداکثر آن بیش از این مدت است، باشد آیا در این حالتها نیز بندهای "یک و دو" ماده (۳) قانون وصول برخی درآمدهای دولت، لازم الرعایه هستند یا خیر؟

پاسخ این است که هر چند عبارت بندهای فوق در این رابطه قدری نارسا بوده و قانون صریحاً تکلیف را معین نکرده، ولی نظر به اینکه هدف قانونگذار از تشریح بندهای "یک و دو" حذف مجازاتهای حبس کمتر از ۹۱ روز بوده است، از این رو در مورد سؤال نیز قاضی اگر بخواهد مجازات زندان برای متهم در نظر بگیرد، امکان تعیین میزان مدت کمتر از ۹۱ روز را نداشته و باید حکم به محکومیت متهم به تحمل بیش از ۹۱ روز حبس صادر کند؛ مثلاً: در ماده (۶۹۸) قانون مجازات اسلامی، کیفر نشر اکاذیب دو ماه تا دو سال حبس و یا تا ۲۴ ضربه شلاق تعیین شده است، حال در

مورد مرتکب چنین جرمی، قاضی مخیر است مجازات شلاق را به میزانی که صلاح می‌داند در نظر بگیرد یا اگر می‌خواهد به مجازات زندان حکم دهد، باید حکم به تحمل بیش از ۹۱ روز صادر کند و متهم را به حداقل دو ماهی که در قانون آمده، نمی‌تواند متهم کند. د - متأسفانه بعضی از دادگاهها به جهت عدم اطلاع یا عدم دقت، مفاد بندهای "اول" و "دوم" را در مقام صدور حکم مجازات، رعایت نمی‌کنند که این امر موجب تضییع حقوق متهم می‌گردد.

بی‌عدالتی فوق در خصوص بند "اول" بیشتر نمود (عینیت) خارجی پیدا می‌کند؛ زیرا در ماده (۱۹) قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳، تنها مواردی که حداکثر مجازات قانونی جرم بیش از ۶ ماه حبس می‌باشد قابل تجدیدنظر شناخته شده‌اند، از این رو اگر قاضی محکمه در جرمی که حداکثر مجازات قانونی آن کمتر از ۹۱ روز است، حکم به سه ماه حبس یا پایین‌تر بدهد چنین حکمی واجد موجبات اعتراض نیست؛ و مواد بسیاری از این دست پیش می‌آید که محکومین به حبسهای کوتاه مدت، بی‌دلیل به زندان رفته و دوران محکومیت نااعادانه خود را سپری می‌کنند (۱۰) اما در مورد بند دوم، این بی‌عدالتی و تضییع حق متهم کمتر عینیت می‌یابد زیرا معمولاً جرایمی که در آنها حداکثر مجازات بیش از ۹۱ روز حبس و حداقل آن کمتر از این مدت است در قانون، بیش از ۶ ماه حبس در مورد آنها پیش‌بینی شده، و بنابراین قابل تجدید نظر شناخته می‌شوند (۱۱) که غالباً احکام صادره در این موارد مبنی بر تعیین کمتر از ۹۱ روز حبس، مورد اعتراض محکومین قرار گرفته و دادگاههای تجدیدنظر استان در صورت اعتقاد به صحت حکم از حیث مجرم شناختن متهم، با توجه به شق ۴ ماده (۲۲) قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، آن را از نظر مجازات، اصلاح و تبدیل به جزای نقدی می‌کنند ولی اصل حکم محکومیت را تأیید

در حال حاضر جرم‌شناسان به شدت با مجازاتهای زندان کوتاه مدت به لحاظ معایب گسترده آن مخالفند و به سیاستگذاران کیفری کشورها توصیه می‌کنند که کیفرهای مناسب دیگری را جایگزین این مجازاتها کنند

در این رابطه، به دو نمونه اشاره می‌گردد: پرونده‌ای در شعبه سوم دادگاه عمومی شهرستان یاسوج با شماره ۱۴۹/۳/۷۶ مورد بررسی قرار گرفته که در آن عده‌ای، متهم به منازعه منتهی به ضرب و جرح با یکدیگر شده‌اند. دادگاه پس از رسیدگی و احراز ارتکاب جرم فوق، مستنداً به شق سوم ماده (۶۱۵) و ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی، برای متهمین حبسهای تعزیری کمتر از ۹۱ روز تعیین می‌کند. حکم صادره پس از اعتراض یکی از متهمین به دادگاه تجدیدنظر استان کهگیلویه و بویراحمد رفته و این دادگاه در دادنامه شماره ۲۰۹ - ۷۷/۲/۲۷، حکم محکومیت متهمین را تأیید ولیکن به لحاظ عدم رعایت بند "دوم" ماده (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین، مجازات حبس صادره را اصلاح کرده و آن را تبدیل به دویست هزار ریال جزای نقدی می‌کند.

در پرونده دیگری مطروحه در شعبه اول دادگاه عمومی عجب شیر، فردی متهم به ایجاد تصرف عدوانی در زمینهای متعلق به جنگلبانی می‌شود. دادگاه پس از رسیدگی، طی دادنامه شماره ۱۵۲ - ۷۶/۱/۳۱، مستنداً به مواد (۶۹۰) و (۲۲) قانون مجازات اسلامی، وی را محکوم به تحمل ۲۰ روز حبس می‌نماید. حکم فوق مورد اعتراض

قرار گرفته و به شعبه پنجم دادگاه تجدیدنظر استان آذربایجان شرقی ارسال می‌گردد. این دادگاه مستنداً به شق چهارم ماده (۲۲) قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، در دادنامه شماره ۱۲۲۲ - ۷۶/۱۲/۱۰، از جهت توجه اتهام به متهم، حکم را تأیید کرده ولیکن با عنایت به اعمال نشدن بند "دوم" ماده (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت از سوی دادگاه بدوی، کیفر حبس تعیین شده از سوی این دادگاه را تبدیل به مبلغ دویست هزار ریال جریمه نقدی می‌نماید.

بند سوم - با توجه به این بند، چنانچه در قانون، کیفر حبس با جزای نقدی همراه باشد و به جای حبس و مجازات تعزیری، دادگاه حکم به جزای نقدی بدهد، مجازاتهای نقدی فوق هر دو با هم جمع می‌شوند

متأسفانه بند حاضر با بی‌دقتی کامل تنظیم گردیده و مقنن توانسته است منظور خود را به طور کلی بیان کند. بند فوق در واقع جایگزین قسمت اخیر شق "یک" تبصره (۱۷) قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب بهمن ماه ۱۳۶۸ می‌باشد که در آنجا آمده بود: «در صورتی که در موارد فوق، حبس و یا سایر محکومیتهای تعزیری موضوع تخلفات رانندگی با جزای نقدی باشد و به جای حبس یا آن مجازاتهای تعزیری، جزای نقدی مورد حکم قرار گیرد هر دو جزای نقدی با هم جمع خواهد شد». البته این گونه نیز می‌توان برداشت نمود که در بند "سوم" قانونگذار، هر چند ناشیانه، قصد ارائه یک قاعده کلی را داشته است و آن اینکه «در صورتی که مجازات حبس با دیگر مجازاتهای تعزیری یا جزای نقدی توأم باشد و به جای حبس یا آن مجازات تعزیری، جزای نقدی مورد حکم واقع شود، هر دو مجازات نقدی با هم جمع خواهد شد».

در این جا به چند مثال از متن قانون مجازات اسلامی اشاره می‌گردد:

۱ - در ماده (۷۲۳)، مجازات رانندگی بدون داشتن گواهینامه رسمی برای بار اول،

حبس تعزیری تا دو ماه یا جریمه نقدی تا یک میلیون ریال و یا هر دو مجازات مقرر گردیده است. حال اگر بر فرض، دادگاه بخواهد به هر دو مجازات رأی بدهد، در این صورت باید ابتدا به استناد شق اول ماده (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت، جزای نقدی از هفتاد هزار و یک ریال تا یک میلیون ریال (بسته به نظر دادگاه) را جایگزین کیفر حبس تعزیری (تا دو ماه) نماید، و سپس تا یک میلیون ریال جریمه نقدی مندرج در ماده (۷۲۳) را مشخص نموده و بعد هر دوی این جزایهای نقدی را با هم جمع کند.

۲- در ماده (۷۰۷)، کیفر ساخت یا فروش یا وارد نمودن یا در اختیار دیگری قرار دادن آلات و وسایل مخصوص به قماربازی، سه ماه تا یک سال حبس و یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی در نظر گرفته شده است. حال قاضی رسیدگی کننده در مقام صدور حکم، اگر مصلحت نداند که به بیش از ۹۱ روز حبس حکم دهد، بایستی مستنداً به شق "دوم" ماده (۳)، جزای نقدی از هفتاد هزار و یک ریال تا سه میلیون ریال را به جای مجازات حبس انتخاب کرده و سپس آن را با میزان جزای نقدی که به موجب ماده (۷۰۷) قانون مجازات اسلامی تعیین می کند، جمع نموده و متهم را محکوم به پرداخت آن نماید.

۳- در ماده (۶۴۳)، به دادگاه اختیار داده شده است که برای کسی که عالماً زن شوهردار یا زن در غده را برای مردی عقد می کند، به جای ۶ ماه تا ۳ سال حبس از سه میلیون تا هجده میلیون ریال جزای نقدی و تا ۷۴ ضربه شلاق در نظر بگیرد. حال ممکن است قاضی محکمه با انتخاب مجازاتهای جزای نقدی و شلاق، با استفاده از اختیار حاصله از ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی، کیفر شلاق را تبدیل به مبلغی جزای نقدی نماید.

در چنین حالتی، با توجه به شق "سوم" ماده (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت، این میزان جزای نقدی با جریمه نقدی موضوع ماده (۶۴۳)، جمع شده و مرتکب به پرداخت آن محکوم می گردد.

## نتیجه:

با در نظر گرفتن بندهای "یک و دو" ماده (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین، در مواردی که حداکثر مجازات جرمی، حبس کمتر از ۹۱ روز است و همچنین موادی که حداقل مجازات جرمی کمتر از ۹۱ روز حبس و حداکثر آن بیش از این مدت است، امکان تعیین مجازات زندان کمتر از ۹۱ روز وجود ندارد. به عبارت ساده تر، در این موارد حتی با استفاده از ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی، نمی توان برای متهمین کیفر زندان ۳ ماه کمتر در نظر گرفت و همان گونه که در مقدمه گذشت، در حال حاضر جرمشناسان به شدت با مجازاتهای زندان کوتاه مدت به لحاظ معایب گسترده آن مخالفند و به سیاستگذاران کیفری کشورها توصیه می کنند که کیفرهای مناسب دیگری را جایگزین این مجازاتها کنند

## مجازاتهای نقدی اگر با

## وضعیت مالی و استطاعت

## ممکنه تناسب داشته باشند،

## می تواند هدف ارباب فردی

## کیفر را تأمین نموده و از تکرار

## جرم توسط او جلوگیری نماید

که در بندهای فوق "تا حدی این توصیه رعایت گردیده است.

همچنین به موجب بند "اول"، مجازاتهای تعزیری تخلفات رانندگی و جرایم ناشی از این تخلفات منعکس در قوانین، اعمال نمی گردند و جزای نقدی تا یک میلیون ریال جایگزین این مجازاتها می گردد. (۱۲)

در پایان این نوشتار، به پاره‌های اشکالات مهم مربوط به بندهای مورد بحث اشاره

## می شود:

۱- این موضوع که صرفاً جزای نقدی جایگزین مجازاتهای موضوع بندهای "یک و دو" گردیده است، امر مستحسنی نیست. مجازاتهای نقدی اگر با وضعیت مالی و استطاعت محکوم تناسب داشته باشد، می تواند هدف ارباب فردی کیفر را تأمین نموده و از تکرار جرم توسط او جلوگیری نماید؛ منتها موارد زیادی پیش می آید که به لحاظ متمول بودن متهم یا سود بسیاری که از طریق ارتکاب جرم عاید او شده است و مبلغ پایین جزای نقدی این کیفر، تأثیر چندانی از جهت تنبیه و بازدارندگی از ارتکاب مجدد جرم بر وی ندارد. یا بالعکس، به جهت فقر متهم و مبلغ بالای جزای نقدی و در نتیجه عدم توانایی در پرداخت آن، او روانه زندان شده و بدین ترتیب هدف قانونگذار که همانا احتراز از مجازات زندان کوتاه مدت است، محقق نمی شود.

به نظر می رسد راه حل قانونی در این است که در متن بندهای "یک و دو"، کیفرهای دیگری از قبیل محرومیت موقت از حقوق اجتماعی (۱۴)، قطع موقت خدمات عمومی، لغو پروانه کسب یا رانندگی و غیره پیش بینی شود تا دادگاه بتواند وضع و سابقه متهم، نوع بزه ارتكابی و شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر ارتکاب آن را در نظر گرفته و مجازات متناسبی را مورد حکم قرار دهد.

۲- اطلاق بند "اول" تا حدودی زمینه عدم امکان اجرای ماده (۷۲۶) قانون مجازات اسلامی را فراهم نموده است که در این رابطه قبلاً در مقام بررسی بند "یک" توضیحاتی ارائه شد. متأسفانه قانونگذار در سال ۷۵، یعنی در زمان وضع ماده (۷۲۶)، توجهی به «بند "اول" و امکان تعارض آن با حکم بند مذکور ننموده است.

ماده (۷۲۶)، عام محسوب می شود؛ زیرا راجع به حکم معاونت در جرایم تعزیری به طور کلی صحبت می کند، ولی بند "اول" خاص محسوب می گردد چرا که حکم آن صرفاً در خصوص مجازاتهای حبس تعزیری کمتر از

۹۱ روز می‌باشد. بنابراین، بند "اول"، حکم ماده (۷۲۶) را در مورد مجازاتهای حبس کمتر از ۹۱ روز تخصیص می‌زند. به عبارت دیگر، در مواردی که حداقل مجازات جرمی کمتر از ۹۱ روز است نمی‌توان با استناد به ماده (۷۲۶)، حداقل را برای معاون در آن جرم در نظر گرفت و باید به جزای نقدی مقرر در بند "اول" حکم داد.

با توجه به این استدلال، تعداد زیادی از مجازاتهای حبس تعیین شده در قوانین کیفری به لحاظ اینکه حداقل آنها کمتر از ۹۱ روز می‌باشد، در مورد معاون در جرم قابل اجرا نیستند که این امر بویژه در مورد جرایم مهم، توالی فاسد بهمراه دارد. از جمله این جرایم مهم که حداقل مجازات قانونی آنها کمتر از ۹۱ روز حبس است، می‌توان به مواد (۴۹۹)، (۵۲۹)، (۵۷۳)، (۶۰۴)، (۶۹۲) و (۶۹۸)، قانون مجازات اسلامی اشاره کرد.

راه حل موجود، تنظیم تبصره‌ای برای ماده (۷۲۶) مبنی بر مستثنا بودن آن از بند "یک" ماده (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت می‌باشد.

۳- در مقدمه گفته شد که به‌رغم حمله شدید جرم‌شناسان به مجازاتهای زندانهای کوتاه مدت، گرایش جدیدی در استفاده از این مجازاتها آن هم با هدف مداخله آتی جامعه به منظور ایجاد یک ضربه روانی سودمند در متهم، پدید آمده است. در حال حاضر، در کشور ما به لحاظ آنکه در بندهای "یک و دو" اعمال مجازاتهای حبس کوتاه، مدت منتهی دانسته شده و فقط جزای نقدی جایگزین آن شده، استفاده از کیفر حبس کوتاه مدت برای موارد خاص وجود ندارد.

اگر به موارد اعمال بندهای "یک و دو" دقت کنیم این نتیجه حاصل می‌شود که در بعضی از آنها اعمال مجازاتهای کوتاه مدت، زندان بسی مؤثرتر از جریمه مالی است. به عنوان نمونه، در حبس کوتاه مدت نگره داشتن یک جوان مرفه منحرف یا یک مرتکب تخلف رانندگی بی‌پروا و یا مرتکبین جرایم قاچاق کالا و دیگر متهمینی که هنجارهای اجتماعی

و نظم عمومی حاکم بر جامعه را نادیده می‌گیرند، بسیار مفیدتر و نتیجه‌بخش‌تر از لحاظ کردن ارباب و بازدارندگی فردی و اجتماعی مجرم می‌باشد، تا اینکه بخواهیم این قبیل افراد را به جزای نقدی که معمولاً پرداخت آن برای آنها سهل و آسان می‌باشد،

\* \* \* \* \*

### در مبس کوتاه مدت نگره داشتن یک جوان مرفه منحرف یا یک مرتکب تخلف رانندگی بی‌پروا و یا مرتکبین جرایم قاچاق کالا و دیگر متهمینی که هنجارهای اجتماعی و نظم عمومی حاکم بر جامعه را نادیده می‌گیرند، بسیار مفیدتر و نتیجه‌بخش‌تر از لحاظ کردن ارباب و بازدارندگی فردی و اجتماعی مجرم می‌باشد، تا اینکه بخواهیم این قبیل افراد را به جزای نقدی که معمولاً پرداخت آن آسان می‌باشد، محکوم کنیم.

\* \* \* \* \*

راه حل موجود، علاوه بر لزوم اصلاح بندهای "یک و دو"، آن است که قاضی دادگاه در چنین مواردی با احساس ضرورت اعمال مجازاتهای دیگری در کنار جزای نقدی، از مجازاتهای تکمیلی و تسمیمی موضوع ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی بویژه محروم نمودن از حقوق اجتماعی برای مدتی معین، استفاده نماید.

#### پی‌نوشتها:

- ۱- مارک آنسل، دفاع اجتماعی، ترجمه دکتر محمد آشوری و دکتر علی حسین نجفی ابرنآبادی، ص ۹۸ و ۹۷.
- ۲- برنار بولک، کیفرشناسی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرنآبادی، ص ۶۱.
- ۳- دکتر محمد علی اردبیلی، مقاله «جایگزینی‌های زندانهای کوتاه مدت در حقوق کیفری ایران» مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۲-۱۱، ص ۲۸۰.
- ۴- مارک آنسل، همان منبع، ص ۹۸.
- ۵- در حال حاضر متن بند "یک" تبصره مزبور در قالب بندهای یک الی سه، در ماده (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین، گنجانده شده است.
- ۶- مواد (۷۱۴ الی ۷۱۷) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، جایگزین مواد فوق شده‌اند.
- ۷- غلامرضا شهری، سروش ستوده جهرمی، نظریات اداره حقوقی فوه قضائیه در زمینه مسایل کیفری، جلد اول، ص ۷۵۷.
- ۸- کیفر تعیین شده در ماده ۶۴۵، تا یک سال حبس و در ماده ۶۶۰، تا سه سال حبس می‌باشد. اگرچه قانون حداقل کیفر حبس را در این مواد معین نکرده، ولی در واقع حداقل آن یک روز (و حتی کمتر از آن) می‌باشد، پس تحت‌الشمول بند "دوم" قرار می‌گیرند. البته این نحوه تفسیر، برخلاف اصول و شیوه‌های صحیح قانونگذاری است.
- ۹- علت عام و خاص بودن این دو این است که ماده (۲۲) تمام مجازاتهای تمزیری و بازدارنده اعم از حبس، شلاق، جریمه را در برمی‌گیرد در حالی که بندهای "یک و دو"، فقط کیفرهای حبس، آن هم با ویژگیهای مقرر در این بندها را شامل می‌شود. دیگر اینکه ماده (۲۲)، امکان تبدیل و جایگزین نمودن تمام مجازاتهای تمزیری و بازدارنده به انواع دیگر را پیش‌بینی نموده و حال آن که بندهای ۱ و ۲ فقط جایگزینی مجازاتهای حبس کمتر از ۹۱ روز و کیفرهای تمزیری موضوع تخلفات رانندگی به جزای نقدی مقرر در این بند را مطرح کرده‌اند. پس بندهای ۱ و ۲ به عنوان قانون خاص اخیرالتصویب، ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی را به عنوان قانون عام سابق‌التصویب تخصیص زده‌اند.
- ۱۰- البته در این مواد، در صورت آگاهی یافتن از اشتباه قاضی می‌توان به استناد ماده (۱۸) قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، به حکم اعتراض و درخواست اعلام اشتباه قاضی و نقض حکم را نمود.
- ۱۱- در این مورد نیز اگر حداکثر مجازات قانونی بیش از (۶) ماه حبس نباشد، مانند مجازات موضوع مواد (۷۰۰) و (۷۰۱) قانون مجازات اسلامی، مسأله درخواست اعمال ماده (۱۸) مطرح می‌شود.
- ۱۲- البته در تبصره ماده (۷۱۸) قانون مجازات اسلامی، مجازات موضوع مواد (۷۱۴) و (۷۱۸) این قانون از شمول بند "یک" مستثنا شده است.
- ۱۳- مفهوم حقوق اجتماعی و مصادیق آن، در تبصره ۱۰ ماده (۶۲) مکرر که در مورخه ۱۳۷۷/۲/۲۷ تصویب و به قانون مجازات اسلامی اضافه شده، آمده است.

ماهنامه شماره ۲۵ - سال پنجم - خردادین و اردیبهشت ۱۳۸۰